

نشست بزرگداشت استاد شهید مطهری (رحمت الله علیه)

آیت الله شیخ علی رضایی تهرانی

دانشگاه شهید مطهری مشهد

۱۴۰۲/۰۲/۱۲ هجری شمسی

۱۴۴۴/۱۰/۱۱ هجری قمری

«أعوذُ بالله مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ»

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ»

«الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَالصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ عَلَى النَّبِيِّ الْأَعْظَمِ وَتَبِيحَةُ الْعَالَمِ، هَادِي السُّبُلِ وَمُنْجِي الْبَشَرِ سَيِّدِنَا وَمَوْلَانَا حَبِيبِ إِلَهِ الْعَالَمِينَ، أَبِي الْقَاسِمِ الْمُصْطَفَى مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ وَعَلَى آلِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ الْمَعْصُومِينَ الْمُكْرَمِينَ وَاللَّعْنُ الدَائِمُ عَلَى أَعْدَائِهِمْ أَجْمَعِينَ مِنَ الْآنَ إِلَى قِيَامِ يَوْمِ الدِّينِ.»

«قال إمامنا زين العابدين عليه السلام: اللهم صل على محمد وآل محمد، ولا ترفعني في الناس درجة إلا حططتني عند نفسي مثلها.»

تشکر دارم از دوستانی که در سالروز ایام شهادت مرحوم شهید مطهری این جلسه فاخر را برگزار کردند و تقدیری از این ناچیز بود به اعتبار آن چه که دوستان خدمات نامیدند. من سه، (یا) چهار مقدمه کوتاه عرض کنم و بعد هم وارد صلب بحث بشوم.

معمولاً بزرگداشت احتیاج به یک بزرگی دارد، برای بزرگان بزرگداشت می‌گیرند یا برای انسان‌های جلیل تجلیلی دارند. خب بنده این را از عمق جان عرضه می‌کنم که من نه جزو بزرگانم و نه جزو جلیلان و نه شخصیتی است که تشخصی بطلبد و نه علم و اخلاق قابل ذکری هست.

شوخی‌اش هم این است که در کشور ما برای هر کس که بزرگداشت می‌گیرند، یا می‌میرد و یا اخراج می‌شود. داشتیم حساب می‌کردم که سن ما هم هم‌سن شهید مطهری شده است. مرحوم مطهری در ۵۸ سالگی شهید شدند، ما هم الان ۵۸ سالمان است. امیدواریم که ان‌شاءالله اخراجی در کار نخواهد بود، گرچه ما در آستانه بازنشستگی هستیم ولی امیدواریم ان‌شاءالله تا می‌توانیم تلاشی داشته باشیم.

من چند تا نکته عرض کنم. خدای متعال به من چهار دختر و سه پسر داده است، دختران من وقتی به دبیرستان رسیدند هم خودشان دانستند و هم اطرافیان که به صراحت گفتم اگر دبیرستان شهید مطهری در مشهد نبود، من هیچ‌کدام از دخترانم را به دبیرستان نمی‌فرستادم.

الآن یک مقداری متفاوت شده است ولی در آن زمان هیچ اطمینانی به دبیرستانی غیر از شهید مطهری نداشتم و باز وقتی دبیرستان تمام شد، همه جز یکی در دانشگاه شهید مطهری تحصیل کردند و آن یک نفر هم اصلاً ادامه (تحصیل) نداد. باز اگر دانشگاه شهید مطهری نبود، من دخترانم را به دانشگاه نمی‌فرستادم. این نشانگر آن است که حدود بیست و پنج سال قبل که توسط حضرت آیت‌الله، آقای حاج شیخ عزیزالله فیاض صابری با این مجموعه آشنا شدم؛ احساس کردم خدای متعال منی بر جامعه شیعی و اسلامی گذاشته است که این دانشگاه وجود دارد، (و) هست.

از شخص تولیت عظمای مدرسه شنیدم که ایشان از دانشجویان این مدرسه به "طلاب ما" تعبیر می‌کردند. یعنی کَأَنَّ (گویا) اینجا را حوزه می‌دیدند. در یک جلسه‌ای که در این دانشگاه برگزار شد و خانمی، (یا) دخترخانمی انتقاداتی داشت، (یک مقدار باز بود) بعد از آن جلسه، در جلسه (ای) خصوصی حضرت آقای امامی کاشانی

فرمودند ایشان از بچه‌های ما بود؟
فرمودیم (عرض کردیم): بله.

تعجب کرد، گفت که بچه‌های ما خیلی محجبه‌تر هستند، خیلی پوشیده‌تر هستند!
خب، وقتی سرچشمه این قدر صاف و زلال است، وقتی این سیل به بستر که می‌رسید همینطور صاف و زلال است، می‌ماند و این ارزشمند است. واقعاً تشکر داریم از مرحوم امام (خمینی (ره)) و مقام معظم رهبری (دام‌ظله) که نگاهی خاص به این دانشگاه و مدرسه عالی داشتند و این رود و این نهر جاری بود و الحمدلله جاری است. امیدواریم این نهر در آینده به یک اقیانوس متلاطم تبدیل شود.

در بیانات مرحوم امام (خمینی (ره)) در (تاریخ) ۱۳۵۹/۱۲/۱۰ و در بیانات مقام معظم رهبری (دام‌ظله) در فروردین ۱۳۷۲ ما مطالبی در ارتباط (با) دانشگاه شهید مطهری داریم که این‌ها مقدمه نگاه امروز من و بحث امروز من خواهد بود.

۳۰ تا ۳۵ دقیقه من فرصت دارم، امیدوارم از این فرصت تعدی نکنم. مرحوم امام (خمینی (ره)) در ۱۰ اسفندماه ۱۳۵۹ بر پنج مطلب برای دانشگاه شهید مطهری تأکید داشتند:

۱. مطلب اول که بر دیوار اینجا هم نوشته شده است، تعبیر این است که "شما تلاش کنید از این مدرسه شهید مطهری‌ها بیرون بیاید و یا لااقل یک شهید مطهری بیرون بیاید؟"

۲. مطلب دوم توجه به خدا و اخلاص بود؛

۳. مطلب سوم تلاش بر تحصیل علوم اسلامی بود؛

۴. مطلب چهارم تلاش در تهذیب نفس و اخلاق بود؛

۵. مطلب پنجم تبلیغ در کنار تحصیل و تهذیب بود ۱.

مرحوم امام (خمینی (ره)) بر این پنج عنصر برای دانشجویان دانشگاه شهید مطهری که آن موقع دانشگاه نامیده نمی‌شد، مدرسه عالی شهید مطهری نامیده می‌شد، تأکید داشتند.
به مقام معظم رهبری (دام‌ظله) که می‌رسیم، ایشان در فروردین‌ماه ۱۳۷۲ ملاقاتی دارند با دست‌اندرکاران مدرسه، بعد از تعریف و تمجید، دو تا مطلب دارند که این دو مطلب قابل توجه است:

۱. مطلب اول این که من عبارتشان را بخوانم، می‌گویند: «باید ببینیم که در مدرسه عالی شهید مطهری چه می‌خواهیم بسازیم؛ این باید اصل باشد. علی‌القاعده نمی‌خواهیم روحانی تراز حوزه بسازیم. این مدرسه یک حوزه نیست و ما هم نمی‌خواهیم در اینجا یک فقیه به معنای حوزه تربیت کنیم. بلاشک تراز دانشگاه هم در اینجا مورد نظر ما نیست، چرا که اگر چنین بود، لازم نبود درس مکاسب و کفایه تدریس شود، این درس‌ها که درس‌های تراز دانشگاه نیست»؛ این مطلب اول؛

۲. در ادامه ایشان می‌فرمایند که: «اینجا باید بر روحانی بودن متخرجین (آموختگان) تأکید بفرمایید. حالا برای آقایان تعبیر به روحانی می‌شود، برای خانم‌ها هم مراد همان عالم دین است. البته اینجا محلی است که باید روحانیونی تربیت کند که برای گسترش فکر متعالی اسلامی و همان تبیین بالحکمه و الموعظه الحسنه ۲ بسیار بسیار مفید باشند ۳.»

ببینید حرف بیست‌سال قبل آقا (مقام معظم رهبری)، حرف سی‌سال قبل آقا (مقام معظم رهبری)، حرف الان است؛ یعنی هنوز هم تأکید بر روی جهاد تبیین است. اینجا هم تأکید بر تبیین بالحکمه و الموعظه الحسنه و تبیین حکیمانه و نه عامیانه دین (است). من امروز فکر می‌کنم به این احتیاج داریم، شاید ان‌شاءالله مدرسه شما الگویی شود که نظیر آن در حوزه‌ها و جاهای دیگر ساخته شود و یک تراز خاصی از روحانیون را اینجا پرورش دهیم؛ یعنی چه؟!

یعنی توقع آقا (مقام معظم رهبری) این بوده است که مدرسه شهید مطهری یک صیغه سومی غیر از حوزه و دانشگاه، هم حوزه و هم دانشگاه، بیرون بدهد و آن قدر در این صیغه سوم، در این گونه سوم موفق باشد که حوزه‌ها از او الگوبرداری کنند که بعدها حوزه خواست با این طرح هجرت ۴ و امثال ذلک، الگوبرداری‌ای داشته باشد، حالا چه مقدار موفق بود، حرف دیگری است.

در کنار این دو سخن از مرحوم امام (خمینی (ره)) و مقام معظم رهبری (دام‌ظله) اهداف دانشگاه طبق آن چه در سایت (تارنما) دانشگاه (شهید مطهری) مشهد ۵ آمده است، این هفت هدف تنظیم شده است:

۱. ارائه الگوی عملی از پیوند (حقیقی) حوزه و دانشگاه؛
۲. نهادینه‌سازی مفاد حوزوی در نظام دانشگاه؛
۳. تربیت (علما و روحانیون) اسلام‌شناس و آگاه به مسائل و مقتضیات زمان؛
۴. تربیت محققان، کارشناسان، نظریه‌پردازان و مبلغان اسلامی؛
۵. تربیت قضات، وکلای متعهد و کارشناسان حقوقی و قضایی؛
۶. تربیت اساتید حوزوی و دانشگاهی؛
۷. تبلیغ و نشر علوم و معارف اسلام.

(بسیار) خوب، من تا الان در مقدمه بحثم چه کردم؟!

نگاه مرحوم امام (خمینی (ره)) و مقام معظم رهبری (دام‌ظله) را گفتم. احساس ما بر این است که در نگاه مقام معظم رهبری (دام‌ظله) ما یک تنزلی در ارتباط با بحث دانشگاه داریم. مرحوم امام (خمینی (ره)) دنبال این بودند که این دانشگاه مطهری‌ها بیرون بدهد. مقام معظم رهبری چون دانشگاه شهید مطهری را صیغه و گونه سوم می‌بینند و مطهری در حوزه‌ها تولید می‌شود، یک پله پایین‌تر آمدند و گفتند عالم میبند دین‌شناس و اسلام‌شناس تحویل بدهد کافی است. اهدافی هم که در سایت (تارنما) دانشگاه نوشته شده است، اهداف بلندی است.

من گمان می‌کنم با کنار هم گذاشتن این دو سه نکته مقدمه، گمانه خودم را این‌گونه ارائه می‌کنم: من به نظرم مدرسه و دانشگاه شهید مطهری، خواهران و برادران هم فرقی نمی‌کند، اگر بتواند فارغ‌التحصیلانی داشته باشد که الگوی خود را در زندگی علمی و عملی شهید مطهری قرار بدهند و در عمل به این شخصیت نزدیک بشوند، این مدرسه به مقصود خود رسیده است. شهید مطهری چه در بخش عمل و چه در بخش نظر الگو بشود.

به تعبیر دیگر اگر مدرسه بتواند شهید مطهری‌های کوچک تحویل بدهد، مدرسه به هدف خود رسیده است. برای این که مدرسه عالی و دانشگاه شهید مطهری به این هدف متعالی برسد باید مانند شهید مطهری در علم و عمل باشند.

من شهید مطهری را با هشت ویژگی اینجا نوشتم، اگر شما دانشجویان سعی کنید و متولیان مدرسه و مخاطب بخشی از سخنان من در مشهد شخص جناب آقای محمدیان ۶ است، (و در) تهران هم عزیزانی که هستند اگر صدای من را بشنوند، من اینگونه به نظرم می‌رسد که اگر ما در این هشت محور بتوانیم شباهتی به مرحوم شهید مطهری در مدرسه پیدا کنیم، توانستیم هم تقاضای مقام معظم رهبری (دام‌ظله) را جامه عمل بپوشانیم، هم امید مرحوم امام (خمینی (ره)) را تا حدی به کرسی بنشانیم.

من این هشت محور را خدمت شما عزیزان عرض می‌کنم، به روح مطهر شهدا، شهدای مدافع حرم، شهدای مدافع امنیت، به خصوص شهید امر به معروف و نهی از منکر که دیروز در مشهد تشییع شد، شهید الداغی، هدیه کنید صلوات بر محمد و آل محمد (صلی الله علیه و آله و سلم)؛

«اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ.»

به تعبیر آقای حسینی این صلوات خیلی علمایی بود، هنوز آن قدر عالم نشدید، یک صلوات محمدی ختم بفرمایید؛

«اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ.»

بینید من شهید مطهری را این‌گونه می‌شناسم:

۱. مرحوم شهید مطهری خوش استعداد و تیزهوش بود. مرحوم علامه طباطبایی فرمودند، تعبیرش بد است ولی چاره‌ای ندارم که بگویم، (فرموده بودند): «آقای مطهری که به درس من می‌آمدند به من حالت رقص دست می‌داد، چون مطلبی که می‌گفتم را می‌گرفت، از بین نمی‌رفت؛ تیز و خوش‌ذهن (بود).» (بسیار) خوب، اگر مدرسه بخواهد به این تراز برسد، باید کاری کند که بهترین‌ها را پذیرش کند. به دیگر سخن هدف‌گذاری مدرسه شهید مطهری این باید باشد که در میان مراکز همگن مانند دانشگاه شریف باشد. برای (تحقق) این کار، این کارها را باید انجام بدهد: مورد اول، رسانه خود را باید تقویت کند. مدرسه شهید مطهری در بحث رسانه می‌لنگد.

مورد دوم، از بهترین اساتید استفاده کند که البته در این زمینه تلاش کرده است. مورد سوم، برای فارغ‌التحصیلانش فی‌الجمله تضمین شغلی داشته باشد. الان شما فارغ‌التحصیلان دانشگاه امام صادق (علیه السلام) را با دانشگاه شهید مطهری نسبت بگیرید، در این که چقدر آن‌ها استعداد شغلی‌شان به ثمر نشست و چقدر این‌ها به ثمر نشست؛ نسبت، نسبت خوبی نیست. بهترین‌ها را انتخاب کند و تضمین شغلی برایشان ایجاد کند.

مورد چهارم، بلکه تعدادی را بورسیه (آموختانه) کند، بلکه با تمام مدارس استعداد درخشان ارتباط بگیرد. یک طلبه استعداد درخشان ما پیدا شد، دو نفر هم با خودش همراه کرد، در همین خراسان ده‌ها نفر استعداد درخشان که (رتبه) کنکورشان زیر صد، زیر ده، دارند جذب حوزه می‌شوند. نام ببریم، چه اشکالی دارد، حضرت آقای (حجۀ الاسلام و المسلمین شیخ محمدحسن) و کیلی (حفظه الله) آمدند در مدارس استعداد درخشان و به سمت حوزه آن‌ها را کشیدند؛ مدرسه شهید مطهری هم همین کار را بکند. با تمام مدارس استعداد درخشان ارتباط بگیرد. یک موقعی وضعیت این قدر فجیع بود که مدرسه شهید مطهری دبیرستان با دانشگاه زاویه داشت و الحمدلله برطرف شد و در یک مسیر قرار گرفت. (آموختگان) (خریجان) دبیرستان، (دانشگاه) فردوسی می‌رفتند و این ضایعه بود.

پس اولین قدم این که شهید مطهری تیزهوش بود، می‌خواهیم شهید مطهری تربیت کنیم، شهید مطهری‌های کوچک، باید تیزهوشان را زمینه‌ای ایجاد کنیم که گزینه اول هر کنکوری علوم انسانی که ما در اینجا داریم آن رشته را، (دانشگاه) شهید مطهری را انتخاب کند تا بتوانیم به آن تقاضای مقام معظم رهبری (دام‌ظله) و آن امیدی که مرحوم امام (خمینی (ره)) داشتند برسیم.

۲. مرحوم شهید مطهری متعهد، متدین، بااخلاص و مهذب بود، دین داشت، تعهد داشت، بااخلاص بود، مهذب بود. مقام معظم رهبری (دام‌ظله) نقل کردند که ایشان مشهد می‌آمدند، خانه ما می‌آمدند، بعضی از شب‌ها نصف شب از حقوق‌گریه ایشان در نماز شب، اهل بیت ما یعنی خانم ایشان از خواب می‌پرید؛ این قدر صدا بلند بود.

آقا (مقام معظم رهبری (دام‌ظله)) نقل می‌کردند که بعد از اینکه ما حزب جمهوری را تأسیس کردیم، شهید مطهری من را تهران دیدند، فرمودند که: «آقای سید علی آقا این کاری که کردید و حزب تشکیل دادید، اگر برای خدا کردید درود خدا بر شما؛ اگر برای هوا کردید وای بر شما».

(بسیار) خوب، در کنار آن تیزذهنی، دانشگاه باید به آن سمت برود که چه در استاد و چه در شاگرد متدینان و بااخلاصان را کشف کند، مهذب‌ها را (کشف کند).

شوخی هم نداشته باشد، حالا جذب کرد، دید دانشجوی در بحث تهذیب می‌لنگد، اصلاح کند، نشد اخراج کند. نگذارد یک‌دست بودن این مجموعه متعهد و متدین دست‌خوش تغییر قرار بگیرد. زاویه انحراف حاده است، یک مقدار که جلو می‌رود منفرجه می‌شود؛ در این کار باید سخت‌گیر باشد.

برای این کار در اقدام اول باید فضای دانشگاه شهید مطهری در تمام شعبه‌ها و مشهد باید فضای سیروسلوک و معنویت و عرفان باشد.

مرحوم امام (خمینی (ره)) فرمودند: «ما انقلاب کردیم که در حوزه‌ها فصوص بخوانند». حالا عرفان نظری سخت است و آدم خودش را می‌خواهد، مباحث معرفتی باید مستولی بر فضای مدرسه باشد. حتماً باید در تمام رشته‌ها درس سیروسلوک با اساتید صاحب‌نفس باشد که نفسشان تأثیرگذار باشد. آقا (مقام معظم رهبری (دام‌ظله)) فرمودند تراز این مدرسه نمی‌خواهد تراز سال دانشگاه‌ها باشد، نباید یک دانشجوی فکر کند که من فردوسی بروم بهتر است یا فردوسی بروم مانند اینجا است؛ اگر این شد، یعنی شهید مطهری موفق نبوده است. باید تراز بالاتر تعریف شود. حتماً باید از اساتید صاحب‌نفس استفاده شود و در این زمینه باید مطهری الگو باشد، مطهری اسوه باشد و بر اساس مشی او انسان اقدام کند.

در شورای عالی انقلاب نشسته بود به عنوان رئیس شورای عالی انقلاب، در دوران انقلاب، خیلی‌ها این خاطره را نقل کردند، ظاهراً جلسه هم در منزل دکتر صحابی بوده است. بحث طول کشیده است، طول کشیده است، طول کشیده است، ساعت ده شب شده است. آقای مطهری بلند شدند، فرمودند که من رفته‌م، من خواب دارم، من نماز شبم باید خوانده شود، من باید تهجدم را داشته باشم، باید تصویب کنید، تصویب کنید، چه خبر است؟

شورای عالی انقلاب در دوران انقلاب، یک مسئله مهم، حالا تا ساعت یک نصف شب بنشین. خب آقای مطهری این را در سلوک یاد گرفته است، شب اگر جمع نکنند، صبح نمی‌تواند خرج کند. این دو تا آیه را

فهمیده است:

«إِنَّ نَاشِئَةَ اللَّيْلِ هِيَ أَشَدُّ وَطْئًا وَأَقْوَمُ قِيلاً
إِنَّ لَكَ فِي النَّهَارِ سَبْحًا طَوِيلاً».

شب باید جمع کنی که روز بتوانی خرج کنی؛ لذا بلند می‌شود و می‌گویی که من شبم از بین می‌رود، فردا از بین می‌رود، آن نور در من از بین می‌رود. مقام معظم رهبری (دام‌ظله) (ساعت) نه‌ونیم شب خواب هستند، دو ساعت به اذان هم بیدار هستند، (بسیار) خوب، این است که دارند جهان اسلام را اداره می‌کنند. مدرسه شهید مطهری در این زمینه باید پا جای پای این بزرگان بگذارد.

۳. مرحوم شهید مطهری اسلام‌شناس بود.

(بسیار) خوب، یک خواهش (دارم)، اگر به من بگویند مجموعه آثاری در اسلام‌شناسی از صدر اسلام تا کنون موفق‌تر، پاکیزه‌تر و بی‌عیب‌تر از آثار شهید مطهری داریم؟

می‌گویم که نداریم. اینکه مرحوم امام (خمینی ره) فرمودند: «همه آثار قابل تأیید است»، این که مقام معظم رهبری (دام‌ظله) فرمودند: «تئوریسین و ایدئولوژیست (نظریه‌پرداز و ایده‌پرداز) انقلاب ما شهید مطهری است»، این مبالغه‌گویی نیست و لذا در مدرسه شهید مطهری اولین گام برای اسلام‌شناس شدن این است که هر دانشجویی که وارد این مدرسه شد، آخر که فارغ‌التحصیل می‌شود، دکتری می‌گیرد، باید مسلط بر مجموعه آثار شهید مطهری باشد؛ این آثار را خورده باشد، هضم کرده باشد.

آقا (مقام معظم رهبری (دام‌ظله)) فرمودند: «هنوز که هنوز است هشتاد درصد بلکه بیشتر شبها برای کسی که آثار شهید مطهری را خوانده باشد، قابل جواب دادن است».

کجا است؛ مانند آن قلم که جهان‌بینی بنویسد، شناخت بنویسد، کجا است؛ مانند آن قلم که فلسفه بنویسد؟ الان از موفق‌ترین کتاب‌های فلسفی در مقدمات فلسفه، فلسفه مقدماتی آقای عبودیت است. خود ایشان به من گفتند، گفتند که: «این کتاب شهید مطهری است؛ همه قلم او است و من چند تا جمله و کلمه به عنوان ملات وسط‌های آن قرار دادم، وگرنه کتاب، کتاب آقای مطهری است» و این بهترین کتاب برای شروع در فلسفه است.

از بدایه (الحکمه) بهتر است، از آموزش فلسفه بهتر است؛ هنوز قلم دارد می‌درخشد. اگر مدرسه شهید مطهری با آثار شهید مطهری قهر باشد، یا برایش برنامه نداشته باشد، مدرسه شهید مطهری نیست. بخواهد اسلام‌شناس باشد، اولین قدم این است که بر آثار شهید مطهری، طلاب و دانشجویان این مدرسه مسلط باشند.

مورد دوم، شهید مطهری در مجموعه آثارش دغدغه‌هایی دارد که به کرسی ننشسته است. می‌گوید این کار باید بشود، نشده است؛ آن کار باید بشود، نشده است. چه کسی باید این دغدغه‌ها را بردارد؟! مدرسه و دانشگاهی که به نام شهید مطهری است. (شهید مطهری) می‌گوید که: «من دوست داشتم مباحث دخیل را با مباحث اصلی در فلسفه جدا کنم، وقت نکردم»، (بسیار) خوب، کار شماها است، کار بچه‌های فلسفه دانشگاه شهید مطهری است که دارند در مدرسه‌ای با این نام زندگی می‌کنند.

(بسیار) خوب، دارم می‌گویم شهد مطهری که بود و ما اگر بخواهیم آینده مدرسه را رقم بزنیم با توجه به بیانیه گام دوم (انقلاب) آقا (مقام معظم رهبری (دام‌ظله)) و با توجه به نام مدرسه و با توجه به پیشینه مدرسه (چه باید کنیم). یک جمله‌ای مقام معظم رهبری فرمودند که خیلی زیبا است، فرمودند که: «سپهسالار وقتی مدرسه را ایجاد کرد، اصلاً نمی‌فهمید معقول چه است و منقول چه است؛ دیگران برایش معقول و منقول نوشتند». سپهسالار هم در پنجاه و هفت سالگی فوت کرده است. فرمودند: «از آن مدرسه‌ای که موسسش نمی‌فهمید که معقول یعنی چه و منقول یعنی چه، به اینجا برسی که در رأس او یک مجتهد فقیه فلسفه‌خوانده مانند آیت‌الله امامی (کاشانی ره) باشد»، خیلی سیر، سیر سریعی بوده است؛ خب این سیر باید در آینده مجموعه خودش را نشان بدهد. خب بر همین اساس است، یعنی در بحث اسلام‌شناسی باید این بحث را به این کیفیت ادامه بدهیم.

۴. مرحوم شهید مطهری بهترین رصدگر ابتلائات و شبهات و پاسخگوی به‌هنگام آن‌ها بود. من از بعضی از انقلابیون، از روحانیت معزز شنیدم، گفتند که ما هم شامه‌مان کار می‌کرد، انحراف را حس می‌کردیم ولی مثلاً ۵ پنج متری إلحاد. شهید مطهری از پنجاه کیلومتری إلحاد را می‌فهمید، انحراف را می‌فهمید، می‌فهمید

این جریان خطرناک است و روی این بحث إلحاد و انحراف محکم بود. به ایشان خبر دادند که قرار است در بهشت حضرت زهرا (سلام الله علیها)، جلوی مرحوم امام (خمینی (ره)) بعضی از کودکان منسوب به جریان مجاهدین خلق که آن موقع هنوز اسمشان منافقین نشده بود دکلمه بخوانند.

ایشان تلفن زد به پاریس و گفت که: «این کار انجام نشود، این‌ها منحرف هستند»، با این که آن موقع انحرافشان را خیلی‌ها قبول نداشتند. یک مقداری پاریس، بیت (امام خمینی (ره))، مقاومت کرد. شهید مطهری فرمودند: «به امام بگویید که اگر این‌ها جلوی شما دکلمه خواندند، من برای همیشه ارتباطم را با شما قطع می‌کنم».

رودربایستی ندارد، مجاهدین را شناخته است، آنالیز (تحلیل) کرده است، انحراف را می‌داند، وظیفه‌محور است، جلواش ایستاده است. امام فرمودند: «هر چه آقای مطهری می‌گوید همان انجام بشود». مدرسه شهید مطهری باید جلو دار باشد. طرف کتاب نوشته است نگاهی نقادانه بر مبانی نظری نبوت، اسم مؤلف را نبرم. این را که باید جواب بدهد؟ کرورکرور دانشجوی ما را دارد بی‌دین می‌کند این کتاب، دارد بنیان رسالت و نبوت عامه را بر باد می‌دهد، چه برسد به نبوت خاصه. (پاسخ به آن) کار بچه‌های شما است و باید انجام بشود.

۵. پنجم، مرحوم شهید مطهری در تلاش علمی و عملی وظیفه‌محور بود. خیلی عجیب است، ایشان نوشتند من هر چه قلم زدم بر اساس وظیفه زدم.

اگر مسئله حجاب است، اگر نظام حقوق زن در اسلام است، اگر داستان راستان است، اگر روش رئالیسم است. دکتر عمویی نفر هفتم کمونیسم در دنیا، گفته بود که این کتاب روش رئالیسم دویست سال کمونیسم را در ایران عقب انداخت. من سنم اجازه می‌دهد، جلوی دانشگاه تهران هر دانشجوی مسلمان یک کتاب روش رئالیسم دستش بود، داشت با مارکسیست‌ها مبارزه می‌کرد.

تفکیکی ۸ جماعت می‌گوید فلسفه چه خاصیتی دارد؟ شما برای دین چه کردید؟

یک سید و شیخ، آن موقع هم جوان بودند، کتاب نوشتند، متن و شرح، دویست سال کمونیسم را در ایران عقب انداخته است. هزاران هزار جوان را از الحاد و کمونیست شدن جلوگیری شده است؛ خوب این خاصیت فلسفه است.

مرحوم آقای سیدرضی شیرازی در محله‌ای بودند که در آن محله عمدتاً ارمنی بودند، ۸۶۰ نفر را در آن محله مسلمان کردند، گفتند که من با فلسفه مسلمان کردم. یکی از دغدغه‌ها در دانشگاه شهید مطهری این است، یواش یواش دارد احساس می‌شود در مرکز، در برخی شعب که فلسفه دارد به محاق می‌رود.

وجه غالب شهید مطهری فلسفه است. علم فلسفه باید بعد از حوزه دست دانشگاه شهید مطهری باشد. مرحوم مطهری وظیفه‌محور بود، فرمود: «هر چه قلم زدم در راه انجام وظیفه بود» و فرمود: «برای انجام وظیفه کاری که باید می‌کردم را کردم، بلغ ما بلغ». ده‌ها نفر به آقای مطهری گفتند که: «این داستان راستان را ننویس، تو که روش رئالیسم نوشتی، جلد اولش را دانشگاه تهران بردی، کتاب را که دیدند، گفتند که:

«اگر بالاتر از عالی و نمره بیست نمره‌ای بود به تو می‌دادیم»، تو می‌آیی و داستان راستان می‌نویسی؟»

فرمود که: «من روحانی هستم، من سرباز امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) هستم، من خانه‌به‌دوش هستم، من عبد انجام وظیفه هستم، وظیفه هر چه باشد؛ داستان راستان هم می‌نویسم». باید وظیفه‌محوری در دانشگاه تبدیل به یک ارزش قابل افتخار شود.

۶. ششم، (وقت من رو به اتمام است). شهید مطهری یک انقلابی متعقل بود و یک متعقل انقلابی بود. ما انقلابیونی داریم احساس محض (هستند)، از این‌ها هم گاهی استفاده می‌کنیم، در نظام گاهی لازم است ولی آن کس که می‌تواند کشورداری کند انقلابی متعقل است. آقا (مقام معظم رهبری (دام‌ظله)) در یک سخنرانی‌شان فرمودند که: «ما اگر انقلاب را به دست این تندها داده بودیم، الان از انقلاب خبری نبود». این‌ها همانی بودند که زمانی که آمریکا به عراق حمله کرد، گفتند که ما باید برویم و در کنار صدام با آمریکا بجنگیم». تعقل معنایش شهید مطهری است، یک متعقل انقلابی بود، یعنی انقلابی بودنش تم ژورنالیستی (زمینه تبلیغاتی) نداشت، تم (زمینه) تعقل داشت.

یعنی آن چه که می‌گفت، می‌نوشت، دلسوزی می‌کرد، حکیمانه بود. بعضی خیال می‌کنند که آقای مطهری انقلابی نبوده است، انقلابی بود، ایدئولوژیست (نظریه‌پرداز) انقلاب ما است. حالا، کمتر زندان رفت، کمتر تبعید شد، ولی انقلابی بود. دائماً ساواک روی کار ایشان نظارت داشت، در دانشگاه تهران شهید مطهری را خون‌جگر کردند. درس الهیات را از ایشان گرفتند و به یک کمونیسم دادند تا تدریس کند؛ نمی‌خواهم اسمش را ببرم. ایشان را اجباراً در دانشگاه تهران بازنشسته کردند، چون تأثیرگذاری‌اش را دیدند؛ این قدر با تعقل پیش رفت.

۷. هفتم، مدافع ولایت بود. مرحوم شهید مطهری ناصحی امین و مشاوری امین برای رهبری و امت اسلام بود. مدافع ولایت بود و در این زمینه سر از پا نمی‌شناخت. دعوایش با مسئولین حسینییه ارشاد سر ولایت بود. گفت که در این حسینییه به ولایت توهین شده است، دعوا سر ولایت بود و روی این مسئله ایستاد. ببینید، در کتاب جاذبه و دافعه چقدر زیبا (نوشته شده است). یک انسانی که فقط جاذبه دارد، مثل بعضی از این تفکرات اصلاحاتی که می‌گویند: «فقط آن بخش مهر و محبت اسلام (را دریابید)»، کَأَنَّ (گویا) اسلام نه جهاد دارد، نه دفاع دارد، نه امر به معروف دارد، نه نهی از منکر دارد، نه امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) در لیلۃ الهیر ۷۱۳ نفر را در یک شب کشت، نه به دستور پیغمبر (صلی الله علیه و آله و سلم) ۷۰۰ تا یهودی را در یک مجلس گردن زد، نه، این‌ها در اسلام نیست؛ فقط گل و بلبل است، این‌طور فکر می‌کنند دیگر. در کتاب جاذبه و دافعه می‌گوید اگر کسی جاذبه مطلق باشد، منافق است، اگر کسی جاذبه مطلق باشد نفاق دارد.

امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) فرمود که: «من علی بن ابیطالب دشمنانی دارم، کره خاکی را پر از طلا کنم و به آن‌ها بدهم، دشمن من هستند. دوستانی دارم که اگر رگ گردنشان هم زده بشود، دوست من هستند ۹.» مطهری از این‌ها بود، روی ولایت ایستاد و روی ادامه ولایت، مبحث ولایت فقیه ایستاد.

۸. آخرین موردی که در ارتباط با شهید مطهری باید عرض کنم، این است که مرحوم شهید مطهری عاشق شهادت بود، این تعبیر شهید سلیمانی خیلی برای من شیرین است. ایشان فرمودند: «کسی شهید می‌شود که شهید زندگی کند». لذا مقام معظم رهبری (دام‌ظله) به حاج قاسم می‌فرمودند که: «تو خودت شهید زنده هستی، شهید زنده شهید می‌شود؛ هر کسی لیاقت شهادت را ندارد». شهید مطهری شهید شد و همه علما به حال او غبطه خوردند، به شهادت او غبطه خوردند. در دانشگاه شهید مطهری باید عشق به شهادت موج بزند.

اخیراً داشتم فقرات آغازین منشور روحانیت مرحوم امام (خمینی (ره)) را می‌خواندم، شما هم بخوانید. من ندیدم در قلم مرحوم امام (خمینی (ره)) هیچ کجا قلم این مقدار عاشقانه و زیبا رقم خورده باشد. کَأَنَّ (گویا) یک هنرمند نویسنده رمان‌نویس، داستان‌نویس متبحر دارد قلم می‌زند. راجع به روحانیت شهید، شهدای روحانیت، آن قدر زیبا می‌نویسد: (سلام بر حماسه‌سازان همیشه جاوید روحانیت) آنان که رساله عملیه خود را با خون (دم) و شهادت و مرکب خون نوشته‌اند ۱۰. این قدر زیبا نوشته است. مرحوم شهید مطهری عاشق شهادت بود، عشق به شهادت و شهدا باید در دانشگاه شهید مطهری تجلی داشته باشد.

سخنم را جمع‌بندی کنم. اگر بخواهیم آینده‌ای برای دانشگاه شهید مطهری در نظر بگیریم که این آینده مورد تقاضای مقام معظم رهبری (دام‌ظله) است و مورد تمنای مرحوم امام (خمینی (ره)) بوده است، یک کلمه است، فضای دانشگاه به سمتی برود که در علم و عمل دانشجوی این دانشگاه اسوه و الگوش مطهری‌گونه زندگی کردن بشود.

این شخصیت ابعاد فراوانی داشت، به هشت بعدش اشاره کردم، حال که از شهید مطهری گفتیم، پایان‌بخش سخن ما ترحم و ترحیمی بر آن بزرگ‌مرد بوده باشد. نثار روح مطهرش هدیه کنید «رَحِمَ اللهُ مَنْ يَقْرَأُ الْفَاتِحَةَ مَعَ الصَّلَاةِ». من یک نکته عرض کنم، چون آقا (مقام معظم رهبری (دام‌ظله)) دیروز در ارتباط با تربیت کودک و نوجوان مطلبی داشتند و من دیدم که در این کلیپ (تصویر) هم نیامده بود. خدای متعال به ما توفیق داده است که در یک مؤسسه فرهنگی در تهران در حدود پانزده سال قبل مشغول فعالیت هستیم، ابتدا نامش رویش ارزش‌ها بود، بعد نام (رهپویان) امیری حسین (علیه‌السلام) شد. این مؤسسه، مؤسسه‌ای فرهنگی است و در (وزارت) ارشاد و سازمان تبلیغات ثبت شده است. ما دانش‌آموز را از کلاس هفتم می‌گیریم و تا دیپلم در کنار درسی که در مدرسه می‌خواند تربیت می‌کنیم. حدود

هزار نفر تا کنون در این مؤسسه تربیت شدند و تعدادی طلاب خوش‌ذهن و تعداد زیادی دانشجوی موفق در دانشگاه‌ها خروجی این مجموعه بوده است. این مؤسسه فرهنگی در مورد کودک و نوجوان شاید تنها مؤسسه‌ای باشد که یک طرح‌نامه اجتهادی دارد. یعنی ۱۲۵ صفحه ارائه، ۵۰ مینا برای این ۱۲۵ صفحه و این ۵۰ مینا با ۸۰۰ آیه و روایت استناد فقهی پیدا کرده است.

(بسیار) خوب، آن چیزی که در این مجموعه مینا پیدا کرده است، ما کودک را در سه ساحت جسم، ذهن و روح، یعنی کنش‌های بدنی، کنش‌های ذهنی و عواطف و احساسات و در سه ساحت خودشناسی، خودسازی و جامعه‌سازی، پس شد سه ساحت جسم و ذهن و روح، در سه بخش خودشناسی، خودسازی و جامعه‌سازی در بخش‌های اعتقادات، اخلاقیات، احکام و معارف در این پنج، شش سالی که دست ما است، تربیت می‌کنیم و عمدتاً هم دوره بلوغ برای ما مهم است که نوجوان در دوره بلوغ آسیب نبیند. من خواستم این را مقدمه بگویم، در این پانزده سال کاری که به صورت تخصصی در حوزه کودک و نوجوان دارم انجام می‌دهم، به این نتیجه رسیدم که نود درصد سرمایه‌گذاری دشمن بر روی کودک و نوجوان‌ها است. یعنی دشمن نمی‌خواهد روی بنده تأثیر بگذارد و دارد تأثیرگذاری می‌کند، تأثیرش هم عمیق است. یکی از بزرگان فضای دیجیتال و رایانه‌ای کشور می‌گفت خدمت یکی از مراجع تقلید رسیدم، ایشان می‌گفت فلانی این سگ را که وارد کردید، قلاده‌اش (را) هم وارد کنید؛ مرادش هم همین فضای مجازی و اینترنت بود. ایشان می‌گفت فرمودم (عرض کردم) که جناب استاد اشتباه شما همین است، خیال می‌کنید فضای مجازی یک سگ است و قلاده می‌خواهد، نخیر، یک سونامی است، باید برویم روی کوه بایستیم، عقبه‌اش را ببینیم، ببینیم چه خاکی به سر کنیم، بشود یا نشود!

این سگ نیست قلاده داشته باشد. خواستم بگویم جدی بگیرید این مسئله را از این که شهید مطهری به این سمت رفته است که بعد از (مدارس) دبیرستان، (مدارس) راهنمایی زد، من نمی‌دانم (مدارس) ابتدایی هم داریم یا نداریم؟ (اگر) نداریم، (مدارس) ابتدایی می‌خواهیم، (مدارس) پیش‌دبستانی می‌خواهیم، از من بشنوید. (مدارس) پیش‌دبستانی و ابتدایی می‌خواهیم، گسترش می‌خواهیم، شهید مطهری باید کشور را بگیرد با این تلاش‌هایی که دارد (صورت می‌گیرد). به‌هر حال بحث کودک و نوجوان را جدی بگیرید.

(پرسش و پاسخ انتهای نشست)

۱. (بسیار) خوب، نوشتند برخی معتقد هستند شهید مطهری بحث اصل ولایت مطلقه فقیه را قبول نداشتند، نظر شما چیست؟!

نه اینطور نیست. مرحوم شهید مطهری اصل ولایت مطلقه فقیه را قبول داشتند و این در آثار ایشان هم هست. البته یک بحث فقهی است که آیا این ولایت مطلقه شامل جهاد ابتدایی هم می‌شود یا نمی‌شود؛ ایشان در آن مسئله نظرش نظر مشهور است؛ نظر آقای خامنه‌ای (دام‌ظله) و مرحوم نائینی (ره) نیست. یعنی جهاد را ایشان استثناء می‌کند.

۲. نوشتند آیت‌الله امامی کاشانی (ره) در دانشگاه خواران چه چیزی موجب ناراحتی ایشان شد؟! عرض کردم، یک دختر خانمی انتقاداتی داشت، آن دختر خانم مقداری صورتشان باز بود و مقداری مثلاً شاید چادرشان باز بود، ایشان در آن زمان هیچ نپسندیدند و خیال کردند که از دانشجویهای آن دانشگاه نیستند.

۳. نوشتند موارد سیروسلوک شهید مطهری را بیشتر توضیح دهید. فرمودید بهترین آثار، آثار شهید مطهری هستند، اگر ممکن است آثار شهید مطهری را با آثار علامه مصباح یزدی مقایسه کنید.

شهید مطهری عمدتاً جامعیت آثارش مورد نظر است، این جامعیت را ما در آثار مرحوم مصباح نداریم. مرحوم آیت‌الله مصباح به تعبیر مقام معظم رهبری (دام‌ظله) نه فقط استاد علم است، استاد فکر است و لذا است که مقام معظم رهبری (دام‌ظله) معتقد بودند بعد از شهید مطهری، مطهری زمان حضرت آیت‌الله مصباح بودند و لذا من که تأکید کردم بر آثار شهید مطهری نه این که بخواهیم آثار دیگران را نفی کنیم. آثار علامه طهرانی (ره)، آثار علامه طباطبایی (ره)، آثار علامه مصباح (ره)، آثار علامه جوادی (حفظه الله)، علامه حسن‌زاده آملی (ره)، نه!

خواستم بگویم قدر متیقنش این است که باید روی آثار شهید مطهری تسلط خاص داشته باشیم، به اعتبار

نام و پیشینه (دانشگاه).

آثار آیت الله شهید مطهری یک مقداری قلم آن روان تر از آثار علامه مصباح یزدی است.

۴. یک سؤال هم دارند سؤال مبنایی است، چند جلسه می خواهد؛ جسارتاً این دعوی میان مکتب فلسفه و مکتب تفکیکی از کجا و به چه دلیل پدید آمد؟

این هم یک سؤال است. البته یک نکته ای اول آن سؤال بود، موارد سیروسلوک شهید مطهری را بیشتر توضیح دهید.

مرحوم شهید مطهری تا پنجاه سالگی حدوداً، پنجاه و یک، پنجاه و دو سالگی اهل تهجد، نماز شب، تقوا و همه این ها بودند اما سیروسلوک را ایشان در ۸ سال آخر عمر شروع کردند، در پی دو خوابی که دیدند. خواب دیدند سیدالشهدا (علیه السلام) را و در آن خواب به امام حسین (علیه السلام) عرضه داشتند که یا این رسول الله ما عمرمان سر آمد و دستمان خالی است. سیدالشهدا (علیه السلام) در خواب جایی را اشاره کرده بودند و به فردی، فرموده بودند که آن شخص می تواند دست شما را بگیرد. فردای آن روز شهید مطهری با ماشین بنزی که داشتند و با راننده شان، چون ایشان رانندگی بلد نبودند، اصلاً شهید مطهری ذهن فنی نداشتند، هر چه ذهن فلسفی و ذهنی داشت، ذهن فنی نداشت؛ راننده داشتند. با راننده شان قم خدمت علامه طباطبایی آمدند؛ آقای طباطبایی پرسیده بودند که: «خصوصیات آن فرد مد نظر است؟»، ایشان هم خصوصیات را که گفته بودند، فرموده بودند: «این شخصی که به شما نشان دادند، آقای سید محمدحسین حسینی طهرانی است، مسجد قائم در تهران نماز می خواند». (بسیار) خوب، ایشان را می شناختند، رفیق بودند، ولی شاگرد و استاد نبودند. ایشان تهران برمی گردند، خدمت مرحوم علامه طهرانی (ره) می آیند و می شوند سالک رسمی.

چندی بعد پیغمبر (سلام الله علیه) را در خواب می بینند، به پیغمبر (صلی الله علیه و آله و سلم) هم همین جمله ای را که به امام حسین (علیه السلام) گفتند، می گویند. می گویند که: «عمرمان گذشت به جایی نرسیدیم، پیغمبر (صلی الله علیه و آله و سلم) می فرمایند که حسین ما راه را به تو نشان داد، مسیر همان مسیر است» و لذا ایشان در هشت سال آخر عمرشان اهل سیروسلوک شدند. در تقویم های ایشان تاریخ ورود ایشان به این مسیر را نوشتند، تاریخ اذکارشان را نوشتند، تاریخ تغییر اذکارشان را هم نوشتند. مثلاً نوشتند شروع ذکر «لا اله الا هو»، و پایان ذکر «لا اله الا الله»، به مدت سه اربعین. چون ایشان خیلی اهل نگارش بودند، خصوصیات سلوکشان را هم در تقویمشان هست که بعضی ها را ما دیدیم. شهید مطهری یک سالک مجد بودند، رشد هم کردند، پیش هم رفتند، مزدشان را هم گرفتند.

این بحث دعوی مکتب تفکیک و فلسفه هم از کجا پدید آمده است، دامنه مفصلی دارد، در این کانالی که ما در این ۱۱ داریم هم در پرسش و پاسخی که آنجا بارگذاری شده است و هم صوتی که اخیراً در دو روز پیش بارگذاری شد، راجع (به) نقد مکتب تفکیک و این که پیشینه اش چه بوده است گفته شده است. چون بحث طولانی است، این سؤال را باید برایش جلساتی در نظر گرفت، وگرنه باید به آنجا مراجعه کرد.

۵. نوشتند همان طور که ما در بحث دولت و نظام در زنجیره تمدن اسلامی هستیم، چه تلاش هایی و چه زمینه هایی برای ساختن این حلقه های زنجیر داریم.

۶. نظر شهید مطهری راجع به حضرت رقیه (سلام الله علیها) چیست؟

نظر شهید مطهری راجع به حضرت رقیه (سلام الله علیها) خیلی واضح است. ایشان از نظر تاریخی اعتقادی به حضرت رقیه (سلام الله علیها) ندارند. می گویند تاریخ هنوز نتوانسته ثابت کند با این خصوصیات یک دختر سه ساله ای که مادرش فلان باشد در فلان خرابه (به شهادت رسیده باشد)؛ می گوید که من از نظر تاریخی به آن نرسیدم، به صراحت هم این را می گوید. الان راجع به حضرت رقیه (سلام الله علیها) تحقیقاتی شده است، جدیداً، در این چند سال که این تحقیقات در آن زمان در دست شهید مطهری نبوده است.

مثلاً در الآثار الباقیه برای ابوریحان بیرونی ما راجع به حضرت رقیه (سلام الله علیها) مطلب داریم، این جدید کشف شده است، اصلاً زمان شهید مطهری نبوده است. نه فقط این بحث، بحث های دیگر هم همین است. الان اطلاعاتی که ما راجع به خواجه ربیع داریم با اطلاعات ده سال قبل زمین تا آسمان متفاوت است. من دیدم آقای سید طباطبایی دارد الغدیر می نویسد، به ایشان گفتم آقای طباطبایی الغدیر؟!

الغدیر را که آقای امینی نوشته است. گفت اگر امینی الان از خاک بلند شود، یک الغدیر جدید می نویسد. این قدر در ترکیه و کشورهای دیگر کتاب از مخطوط بودن مطبوع شده است که باید یک الغدیر جدید نوشته شود. حالا این بحث هم همین است، با اطلاعاتی که آن موقع مرحوم شهید مطهری داشتند، نگاهشان آن بوده است.

اما راجع به آخرین سؤال در بحث این حلقاتی که ما برای ساختن نظام داریم. ببینید اولین حلقه این است که ما باید به آن اعتقاد داشته باشیم، هنوز در حوزه‌های ما بعضی در این زمینه اصلاً اعتقادی ندارند. می‌گویند این بحث بازگشت به تمدن اسلامی و نظام اسلامی یک خواب است ما داریم می‌بینیم، کجا است؟! اول این اعتقاد باید بیاید، این اعتقاد که آمد، متناسب با این اعتقاد زیرساخت‌ها باید آماده شود. من همین امروز در کلاس عرفان پیشنهادی دادم به دانشجو، گفتم من تنهایی نمی‌توانم، کمک کنید انجام شود. زیرساخت برای تمدن‌سازی است، پیشنهاد چه بود؟

گفتیم آقا! ما برای استناد یک گزاره به دین ده مرتبه داریم، این ده مرتبه را شاخصه‌بندی کنید و بیابید گزاره‌های دین را در این جدول بگذارید. محقق بفهمد از گزاره‌ای که ضروری دین اسلام است تا گزاره‌ای که ضروری مذهب شیعه است، تا گزاره‌ای که در شیعه ثابت شده است، ضروری نیست، تا گزاره‌ای که بالذلة الثلثة اثبات شده است، به دلیل واحد قوی، به دلیل متوسط، به دلیل ضعیف، تا گزاره‌ای که یک ادعا است و به عنوان یک آموزه دینی ادعا است.

ادعا است که روز اول فلان ماه قمری ولادت حضرت معصومه (سلام الله علیها) است، یک ادعای خالی، بعد از انقلاب هم درست شده است، لذا اسمش را روز بزرگداشت گذاشتند، چون دیدند دروغ است. همین‌طوری تحریف پیش می‌آید. گفتند بیابید این جدول را کامل کنید، محقق می‌خواهد مقاله بنویسد، مبلغ می‌خواهد تبلیغ برود، بداند که آقا این دو هزار تا ضروری دین است؛ اصل حجاب ضروری دین است. (بسیار) خوب، ببینید زیرساخت‌ها را باید آماده کنیم، اعتقاد داشته باشیم، یک یا علی بگوییم و بعد حلقه‌ها را پر کنیم.

زیاده‌گویی کردم، عذرخواهی می‌کنم، از عزیزانی که زحمت کشیدند، با این که حقیر هیچ لیاقتی نداشتم، به هر حال این تلاش را کردند که از خدمتی حالا اگر در این ربع قرنی که ما خدمت عزیزان بودیم. داشتم نگاه می‌کردم، دیدم وقتی من وارد مدرسه شهید مطهری شدم، یک ریش سفید نداشتم، الان تقریباً یک ریش سیاه دارم. امیدواریم چیزی انتهای آن مانده باشد و مقبول درگاه الهی باشد، در قبر و قیامت ان شاء الله به دردمان بخورد. بشویم «مَنْ تَعَلَّمَ الْعِلْمَ وَعَمِلَ بِهِ وَعَلَّمَ لِرَبِّهِ دُعَى فِي مَلَكُوتِ السَّمَاوَاتِ عَظِيمًا» ان شاء الله از آن سنخ بشویم.

از همه تشکر دارم، به خصوص از ریاست محترم دانشگاه، از دانشجویانی که وقت گذاشتند و کلیپ (تصویر) تهیه کردند، امیدوارم ان شاء الله بتوانیم باز هم در این مسیر ثابت قدم بوده باشیم.

«اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ.»

فهرست منابع

۱. خمینی، روح الله، رهبر انقلاب و بنیان‌گذار جمهوری اسلامی ایران، و موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره). ۱۳۸۹. صحیفه امام. ج ۱۴، صص ۱۶۸-۱۷۰.
۲. أَدْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَجَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ بِمَنْ ضَلَّ عَنْ سَبِيلِهِ وَهُوَ أَعْلَمُ بِالْمُهْتَدِينَ؛ (سوره نحل، آیه ۱۲۵).
۳. به نقل از فصل‌نامه رهنمون، نشریه‌ی مدرسه‌عالی شهید مطهری، شماره‌ی ۴ و ۵.
۴. طرح "هجرت" آموزش طلاب حوزه علمیه در دوره‌ای فشرده برای ارسال به عنوان مبلغ در مناطق نیازمند است.
۵. <https://mmu.motahari.ac.ir>
۶. مدیر وقت دانشگاه شهید مطهری مشهد.
۷. قطعاً برخاستن شب، رنجش بیشتر و گفتار [در آن هنگام] راستین‌تر است [و] تو را، در روز، آمد و شدی دراز است؛ سوره مزمل، آیه ۶ و ۷.
۸. تفکیک یکی از نظریات فکری است که به مخالفت با حکمت و عرفان شناخته می‌شود. برای مطالعه بیشتر رک به ارشادی نیا، محمد رضا، «نقد و بررسی نظریه تفکیک»، ۱ ج، نقد و بررسی نظریه تفکیک.
۹. وَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: لَوْ ضَرَبْتُ خَيْشُومَ الْمُؤْمِنِ بِسَيْفِي هَذَا عَلَى أَنْ يُبَغِّضَنِي مَا أَبْغَضَنِي وَ لَوْ صَبَبْتُ الدُّنْيَا بِجَمَّاتِهَا عَلَى الْمُنَافِقِ عَلَى أَنْ يُحِبَّنِي مَا أَحَبَّنِي وَ ذَلِكَ أَنَّهُ قُضِيَ فَاَنْقَضَى عَلَى لِسَانِ النَّبِيِّ الْأُمِّيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ أَنَّهُ قَالَ يَا عَلِيُّ لَا يُبَغِّضُكَ مُؤْمِنٌ وَ لَا يُحِبُّكَ مُنَافِقٌ؛ نهج البلاغه، حکمت ۴۵.
۱۰. خمینی، روح الله، رهبر انقلاب و بنیان‌گذار جمهوری اسلامی ایران و موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره). ۱۳۸۹. صحیفه امام. ج ۲۱، ص ۸۸.
۱۱. پایگاه‌های استاد شیخ علی رضایی تهرانی در فضای مجازی:
<https://yek.link/rezaeitehrani-ir>.
۱۲. طوسی، محمد بن حسن، و قسم الدراسات الاسلامیه موسسه البعثه. ۱۴۱۴. الأمالی. قم - ایران: دار الثقافه، ص ۱۶۷، حدیث ۲۸۰.